

سال ششم، شماره ۲۹۴
پنج شنبه ۴ مرداد ۱۳۸۶ ۲۵۰ تومان

کودک



فرهنگنامه تصویری کودکان

جلد شانزدهم

تصویری کودکان فرهنگنامه تصویری کودکان کتاب در مجله



کودک

هفته نامه کودکان ایران

صاحب امتیاز: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام «ره»

مسابقه‌ی گل‌ها و بازی ریاضی [مسابقه‌ی ویژه‌ی مرداد]

روی جلد تعدادی گل را به صورت گلبرگ
می‌بینید. بین این گل‌ها (تعداد و نوع آن‌ها)،
از چپ به راست، یک ارتباط ریاضی وجود دارد.
آیا می‌توانید این ارتباط ریاضی را پیدا کنید؟
تا ۲ هفته بعد از انتشار این شماره از
محله فرصت دارید تا پاسخ هایتان را برای
ما بفرستید. یادتان باشد حتیاً روی پاکت نامه
بنویسید: «مریبوط به روی جلد ویژه‌ی مرداد،
مسابقه‌ی گل‌ها و بازی ریاضی»

- مدیر مسؤول: مهدی ارجانی • سردبیران: افسین علاء - سیامک سرمدی
- مدیر هنری: احمد قائمی مهدوی • تصویرگر: محمد حسین صلوانیان
- مدیر داخلی و طراح بازی جلد: نادیا علاء
- عکس: امیر محمد لاجورد • حروفچین: نیز السادات والاتباع
- توزیع: محمد ملازاده • امور مشترکین: مهدی باقری

لینو گرافی و چاپ: موسسه چاپ و نشر عروج
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی - چهار راه حافظه - بلاک
۶۶۱۲۲۱۱ - تلفن: ۰۶۷۰۶۸۳۳ - نامبر: ۹۶۲



فهرست مطالب کتاب در مجله
E مثل Education (آموزش و پرورش)
E مثل Egypt (مصر باستان)
E مثل Electricity (الکتریسته - برق)
E مثل Electronic (الکترونیک)
E مثل Elephant (فیل)
E مثل ...

فرهنگنامه تصویری کودکان

کتاب در مجله

جلد شانزدهم

شیدم به بابای عزیزم

به من معنای زندگی می دهد، نور تو
تو در اوج قله ای و من در خلوت شب به سوی تو پر می کشم
خداها کمک کن تا دوباره دست گرم فرشته را بگیرم و به سوی
نور پروراز کنم
ای امواج سیمگین دریا مرا سوار بر قایقی کنید تا به سوی او بروم
و دست خسته اش را ببویم و ببوسم
بابای عزیزم
به غصه‌ی کوچکت آب بدنه تا باز شود و چشمانش تو را ببیند که
او را در آغوش گرفته ای
مریم بارسا از تهران



چیستن

- ۱- آن چیست که بدنش زرد و جامه اش سیز و موهاش به رنگ
سپید است؟
جواب: بلال
- ۲- روی زمین نیستم، یک جا نمی ایستم، اگر گریستم بیار می شود.
من کیستم؟
جواب: ابر بیار

لطفیقه

دکتر به بیمار گفت: «آزمایش نشان می دهد که شما قند دارید.»
بیمار: «بخشید دکتر قند جته ای با کله ای؟!»

معتمم به مریم گفت با نجیب جمله بساز. مریم گفت: به پیراهن
دارم نه آستین داره نه جیب.
فاطمه سادات مهدوی از تهران

پدر، روزت مبارکا!

تکه خسته اش را به من می دوزد. چشم هایم بر روی
دستهای پینه بسته اش ثابت می ماند. چه سیار روزهایی که
در گرما و سرمای شدید برای سیر کردن شکم ما بیرون رفته
است و تا پاسی از شب به کار و زحمت مشغول بوده است.
واقعاً چه هدیه ای می تواند پاسخی باشد برای همه زحمت و
رنج که برای بزرگ کردن من می کشد؟ می خواهم بگویم
که دوستش دارم، می خواهم بگویم که روزش مبارک، اما
کلمه ای پیدا نمی کنم که جیران رحماتش باشد. کلمه ای که
قلل خسته اش را کمی التیام بخشد و خستگی را از تنش به در
کند. حتی اگر سمعه ای باشد.

پدر تردید را در چشمانم می بیند. آغوشش را
به سویم می گشاید. من همچون کموتری بال و پر می
کشایم و به سوی پدر پروراز می کنم، وجودم سر تا پا فریاد
می شود، فریادی که می گوید: «پدر، خیلی دوست دارم!
روزت مبارک!»

علیرضا رحمانی از رشت



E مثل [آموزش و پرورش]: Education

آموزش و پرورش، کار مهمی است که فقط در مدرسه انجام نمی شود. آموزش از همان سنین
اولیه آغاز می شود. هنگامی که ما متولد می شویم و پس از چندی شروع به صحبت می کنیم،
حرف زدن با توجه به آموزشی که ناخودآگاه از اطرافیانمان یاد می گیریم انجام می شود. با بزرگتر
شدن، علاوه بر مدرسه که نقش مهمی در آموزش و پرورش دارد؛ مسافرت رفتن، کتاب خواندن و
مانند اینها، نقش مهمی در آموزش انسان دارند.



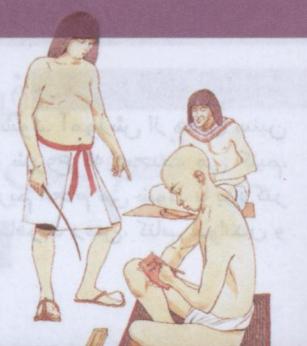
یک حاطه هزار پند

روحیه‌ی حضرت امام (س) و حرکت‌ها و صبحت‌هایشان بر بچه‌ها بسیار اثر می‌گذاشت. بخصوص دیانت آن بزرگوار بسیار موثر بود. همسر حضرت امام (س) نقل می‌کنند؛ بچه‌های من خیلی دیندارند و من از این بابت شاکر درگاه خدایم و می‌دانم که همه‌ی اینها اثر وجود آقاست.

برخورد و رفتار و دیانت و تقوای حضرت امام بر من نیز چون فرزندان اثر داشته است. اما از نظر اخلاقی بر بچه‌هایم بیشتر اثر گذاشته اند. من خیلی تغییر نکرده ام و همانی هستم که بودم، اما اگر شوهری بی ایمان داشتم، در دیانت ضعیف می‌شم.

حضرت امام به من و خانواده شان تذکر می‌دادند:
مواظب اخلاق و سیره‌ی خود باشید. خودتان را تغیرید و تکبر نکنید.

به درستی نمی‌توان پیشینه‌ی آموزش و پروش را معلوم کرد. هنگامی که فرزند از پدر و مادر خود راه و روش شکار کردن، ساختن سرپناه... را یاد می‌گرفت آموزش و پرورش هم شروع می‌شد. اما مصریان باستان از قدیمی‌ترین مردمانی هستند که به امر آموزش به شیوه‌ی مدرسه‌ای پرداختند.

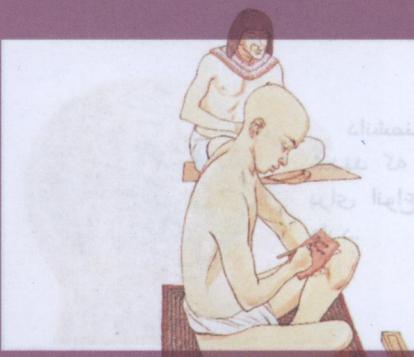


از این رو، هیچ کدام از افراد خانواده، روی اعتبار احترام ایشان تکبر نمی کنند. اصلاً بادم نمی آید که این مسئله مطرح بوده باشد که ما خانواده‌ی امام هستیم و یا اینکه پیش آمده باشد که دخترانم خودشان را بگیرند حضرت امام ما را کم نصیحت می کرددن. از هفت سالگی در تربیت دینی دقت داشتند و می فرمودند بچه‌ها از هفت سالگی نماز بخوانند. بچه‌ها را تشویق به نماز کن، تا وقتی نه ساله شدند، عادت کرده باشند. من به ایشان می گفتم: «تربیت‌های دیگران با من، نمازشان با شما، شما بگو. من که می گویم، گوش نمی کنند.»

حضرت امام خود مقید بودند و می پرسیدند. اما همین که بچه‌ها می گفتند: «نماز خواندم» قبول می کردند و کنجکاوی نمی کردند.

همان اوایل ازدواجمان روزی به من گفتند:

من کاری به کار تو ندارم. به هر صورت که میل داری لباس بخر و بپوش. اما آنچه از تو می خواهم این است که واجبات را انجام بدی و محرمات را ترک بکنی. یعنی گناه نکنی.



پسران مصری از کاهنان خواندن و نوشتن را یاد می گرفتند و بر کاغذهایی به نام پاپیروس آنها را می نوشتند. دختران مصری در خانه از مادران خود روش‌های خانه داری را یاد می گرفتند.



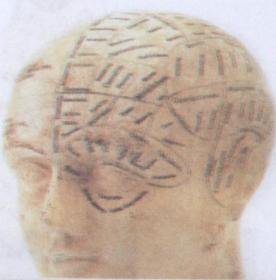
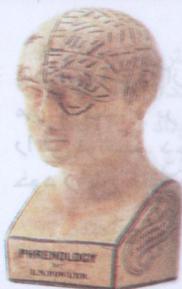
شیر خدا علی

حسین احمدی

پیچیده بوی یاس
در خانه‌ی خدا
لبخند می‌زند
شیر خدا به ما



دانشمندان در قرن ۱۹ میلادی متوجه شدند که در مغز، قسمت‌های مختلفی برای انواع فعالیت‌های یادگیری وجود دارد.





او مثل آینه
صف و زلال و پاک
مانند چشم‌های
جان می‌دهد به خاک



از آفتاب و ماه
او مهربانتر است
ما تشنۀ ایم و او
سقای کوثر است



بی تاب مثل موج
همرنگ آسمان
صف و زلال و پاک
مولای مؤمنان



یارب دل مرا
از او مکن جدا
از بوی خوب او
پُر کن دل مرا

توست «سیده‌هم رجب سالروز ولادت
با سعادت امیر مؤمنان، حضرت علی (ع)
را تبریک عرض می‌نماید.



در گذشته‌های دور، آموزش و پرورش فقط
به عده‌ی محدودی اختصاص داشت. دین اسلام
توجه زیادی به آموزش و پرورش دارد و آن را
مخصوص عده‌ای خاص نمی‌داند.

دردهای پدر بزرگ

قسمت دوم

افشین علاء

دکتر که آمد، عمه زهرا خواست به پدر بزرگ کمک کند تا از جایش بلند شود. اما آقای دکتر نگذاشت که پدر بزرگ از جایش تکان بخورد. کنار پدر بزرگ نشست و دستگاه فشار خون را از کیفیش بیرون آورد. من کمک کردم تا آستین آقاجون را بالا بزنیم. دستهای مهربان پدر بزرگ، مثل وقت هایی که وضعی گرفت، قشنگ و دوست داشتنی بود.

عمه زهرا که هواسش به دستگاه فشار خون بود، با دیدن شماره‌ی روی دستگاه، اخم هایش توی هم رفت. آقای دکتر هم نگاهی به عمه زهرا انداخت. معلوم بود فشار خون پدر بزرگ بالاست. آقای دکتر به پدر بزرگ گفت: «حاج آقا اگر اجازه بدهید باید ربه هایتان را هم معاینه کنم.» پدر بزرگ، در حالی که صدای نفس هایش بلند شده بود، گفت: «وضع قلبم خیلی خراب است؟» دکتر جوابی نداد، اما از عمه زهرا خواست که لباس آقاجون را بالا بزنند تا بتواند پشتیش را معاینه کند. من هم به عمه زهرا کمک کردم و به آرامی، این کار را انجام دادیم. اما همین که پشت آقاجون را بالا زدیم، چشم به خط‌های قرمزی افتاد که روی پشت آقاجون نشسته بود. بر جستگی خط‌ها، نشان می‌داد که از مذکورها قبل، بر تن پدر بزرگ جاخوش کرده است. با دیدن آنها، ناگهان دلم فرو ریخت. احساس کردم چیزی توی قلبم دارد فشرده می‌شود. نمی‌توانستم حدس بزنم که آن قرمزی پشت آقاجون، بر اثر چه چیزی بوجود آمده است.

اما قلبم گواهی می‌داد که نشانه‌های خوبی نیست.

آقای دکتر، بعد از معاینه‌ی پدر بزرگ، دستورات لازم را به عمه زهرا داد و نسخه‌ای هم نوشته و رفت. عمه زهرا هم جای آقاجون را انداخت و از او خواست که استراحت کند. بعد هم دست مرأ گرفت و با هم رفتیم روی ایوان. عصر غم انگیزی بود. صدایی از هیچ طرف نمی‌آمد. نسیم خنکی هم نمی‌زدید. فقط گاه گاهی



سیاری از جوانان تحصیلات بالاتر خود را در دانشگاهها و مدارس عالی طی می‌کنند. آموزش در این مراکز سه تا چهار سال به طول می‌کشد و شخص دارای درجه‌ای می‌شود.





صدای قار قار کلاغی از دوردست به گوش
می رسد. من و عمه زهرا هر دو یک
گوشه ای برای خودمان نشسته بودیم و
فکر می کردیم. عمه زهرا خیلی گرفته
و ناراحت بود. اما راستش من هم بیشتر
کنچکاو بودم تا بدانم آن خط های قرمز
روی پشت پدر بزرگ، به خاطر چه بود.
بالاخره هم طاقت نیاوردم و سکوت را
شکستم و گفتم:
«عمه زهرا؟»

- جانم؟

- قلب آقاجون درد می کنه؟

- آره عزیزم، سال هاست که آقاجون
ناراحتی قلبی داره. اما بعد از فوت خانوم
جان حالش بدتر شده.

- خطرناکه؟

- نه عزیزم، نگران نباش. با کمی
مراقبت خوب می شه.

- عمه زهرا؟

- جانم؟

- ناراحتی قلبی روی پوست هم اثر
میذاره؟

- چه سؤالایی می کنی؟

- حالا میذاره یا نه؟

- نمی دونم. من که دکتر نیستم، اصلاً چرا اینو می پرسی؟

- آخه؛ اون خط های قرمز روی پشت آقاجون!

- خط های قرمز؟ کدوم خط ها؟

- همونایی که جاش رو پشت آقاجون معلوم بود. همونایی که برجسته و درهم و برهم بود.

- آهان! اوナ رو میگی؟

و بعد آهی کشید و گفت: «آخی... الهی بمیرم برای دردهات آقاجون!»

من دیگر فهمیده بودم که آن خط ها، داستان عجیبی دارد.

ادامه دارد.



در بعضی از نقاط، کودکان در کنار
آموزش، مهارت هایی را هم فرا می گیرند.
قایقرانی، شکار و ماهیگیری از جمله ای این
مهارت ها هستند که جنبه آموزشی دارند.

یک پیراهن برای قنبر



مجید ملامحمدی

حضرت علی (ع) در کوفه آن قدر غریب بود که خیلی ها او را نمی شناختند. مثل آن مرد جوان، که در مغازه پارچه فروشی پدرسش کار می کرد. حضرت علی (ع) دو تا پیراهن از او خرید. دو تا پیراهن ساده و ارزان. بعد با خوشرویی پرسید:

«قیمتش چند می شود؟»

مرد جوان گفت: «آن یکی که بهتر است سه درهم و آن دیگری دو درهم!»

حضرت علی (ع) آنها را به قنبر نشان داد و پرسید: «خوب است؟»

قنبر گفت: «بله، مخصوصا آن یکی که بهتر است.»

حضرت علی (ع) پنج درهم به فروشنده ای جوان داد. بعد به همراه قنبر به خانه باز گشت. در خانه کنار قنبر نشست. پیراهن سه درهمی را جلوی او گذاشت و گفت: «این برای تو، آن یکی هم برای من!» صورت قنبر از خجالت سرخ شد. او گفت: «اما شما باید آن پیراهن بهتر را بپوشید. چون امام و خلیفه مسلمانان هستید.»



class 2K4

E مثل Egypt [مصر باستان]:

بیش از پنج هزار سال پیش، تمدنی در خشان و باشکوه در کناره ای رود نیل وجود داشت که تمدن مصر باستان نامیده می شود. مصریان به خدایان متعددی عقیده داشتند. فرمانروای مصریان، فرعون نام داشت. فرعون های مصر



حضرت علی (ع) با مهربانی دست بر شانه‌ی او گذاشت. بعد گفت: «تو جوان هستی و باید لباس خوب بپوشی. اما من پیرم و بهتر است که آن یکی را بپوشم. من از حضرت محمد (ص) شنیدم که فرمود: به خدمتکارهایتان از چیزهایی که خودتان می‌خورید بدھید. به آنها از لباس‌هایی که خودتان می‌پوشید پوشانید.»

قبر سر به زیر انداخته بود. گوشه‌ی چشمش چند قطره اشک تاب می‌خورد. حضرت علی (ع) پیراهن سه درهمی را به او داد و گفت: «من از خدا خجالت می‌کشم که این پیراهن بهتر را بپوشم. ناگهان در زدن. قبر در را باز کرد. پیرمردی بود که با حضرت علی (ع) کار داشت. حضرت علی (ع) پشت در رفت و با او سلام و احوالپرسی کرد. پیرمرد گفت: «من پدر آن فروشنده جوان هستم. او از شما به خاطر آن پیراهن‌ها دو درهم اضافه گرفته بود.»

بعد دو تا سکه به طرف او گرفت. حضرت علی (ع) آنها را نگرفت و با مهربانی گفت: «ما از آن معامله راضی هستیم . این دو درهم برای پسرت باشد.»

پیرمرد خوشحال شد و به طرف خانه خود رفت، قبر هم با خوشحالی پیراهن خودش را به تن کرد.



برای خود آرامگاههایی به شکل هرم می‌ساختند. این تمدن در ۳۰ سال قبل از میلاد مسیح (ع) به دست رومیان باستان افتاد. در این تمدن، فرعون‌ها به عنوان پسر خدا یا پسر خورشید به حساب می‌آمدند.



قسمت سوم

«ماه و مهتاب»

محمد رضا یوسفی

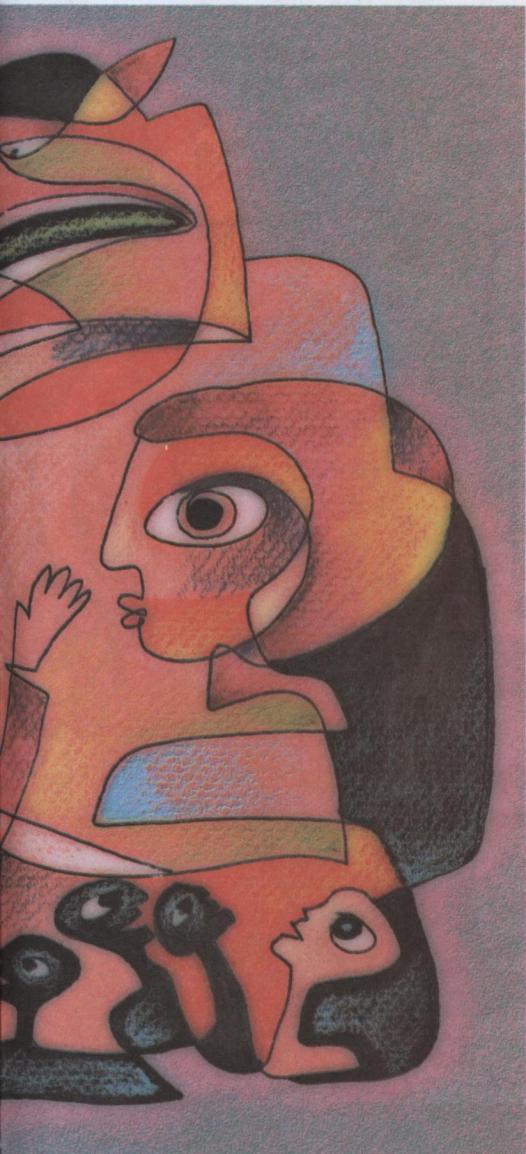
مادر فرناز سرشن را از پنجه بیرون آورد و با صدای بلند گفت: «آی فرناز وَ پریده! بیا آمده اند خواستگاری، مگر کری؟!»

فرنаз در میان گریه اش خندید و گفت: «خواستگاری! ماه رفت خواستگاری چاه!» باز دو دستی زد تو سرشن و چه جیغی کشید!

بچه ها از جیغ فرناز ترسیدند. با وحشت به یکدیگر نگاه کردند و به طرف فرناز دویدند. فرناز مشت مشت خاک و سنگ را به آسمان و ماه

پرت می کرد و می گفت: «ماه افتاد تو چاه!...» خورشید خانم، مادر مهتاب از ته کوچه دوان دوان، انگار خانه اش را آتش زده باشند، می آمد و می گفت! «فرناز! کو مهتاب؟ این رسول جگر سوخته چه می گوبد!»

رسول با چشمهاي پر هراس پشت سر خورشيد خانم گریه می کرد. فرناز بلند شد. خاکها را به هوا پاشید، جیغ کشید و گفت: «همه می پفکها را خودش خورد. به خدا اگر من یک مشت بیشتر خوردم.» بعد دوید و فرار کرد.



اهرام مصر باستان معماری شگفت انگیزی دارند. مقبره ها و راههای متعددی در اهرام مصر که به اهرام ثلاثة (سه گانه) معروفند، وجود دارد. در داخل مقبره ها، لوازم شخصی فرعون قرار داده می شد زیرا مصريان باستان عقیده داشتند که مرده پس از دفن از وسائل شخصی خود استفاده می کند.



همه به دنبال فرناز دویدند. دم پایی خورشید خانم جا ماند. برگشت با عجله کفش را به پا کرد و از ته دل مهتاب را صدا زد.

ماه می آمد به بالای ساختمانها. گرد و غبار بی رنگی از میان زباله ها به طرف ماه می رفت. صدای هیاهوی بچه ها می آمد و یکی گریه می کرد. فرناز یک مشت پفکی را که از مهتاب دزدیده بود تو مشتش گرفته، به طرف چاه می دوید. پفکها خاکی و سیاه بودند. فرناز پی درپی می گفت: «واسه تو مهتاب جان، ماہ که تو چاه نمی افتد. صورت اشک آلود و پر گرد و خاکش مثل رنگ و روی ما بود. یک دفعه ایستاد. کر و کر خنده. مهتاب از میان زباله ها با سر و روی خونین بیرون آمد. زبان فرناز بند آمد. پفکها را به طرف مهتاب گرفت و گفت: «مال تو!»

مهتاب گریه می کرد و می گفت: «آقا دیوه، آقا دیوه...»

خورشید خانم تا مهتاب را با سر و صورت خون آلود دید، جیغ کشید و رو زباله ها افتاد. فرناز گریه می کرد و می گفت: «ماه افتاد تو چاه...» پفکها روی زمین، پخش شدند. مهتاب می گفت: «آقا دیوه گفت، ماہ که تو چاه نمی افتد، ماه به سقف آسمان می رود.»

فرناز، مهتاب را به بغلش گرفت و گفت: «ماه مرد! مهتاب جان خودم واسه ات پفک می خرم...» خورشید خانم خودش به هوش آمد. بی حس



بر دیواره‌ی درونی مقبره‌های اهرام، نقاشی‌های زیادی رسم شده است.

- این صحنه نشان می دهد که چگونه شخص مرد در حال سفر به عالم دیگر است.

- با تاباندن نور توسط آینه، نور کافی در داخل مقابر تهیه می شد.

به طرف مهتاب رفت. شاید خواست یک سیلی تو گوش او بزند که سر انگشتانش سوزه سوز کردند و گفت: «مادر مرده، چه شده؟»

مهتاب بالبخند بی رمق روی لبها یش گفت: «آقا دیوه یک کله ام را برداشت. گفت ماه که افتاد تو چاه یک کله داشت، نه دو تا کله! آخه ماه که دو تا کله ندارد نه فرناز جان!»

رسول گریه می کرد و می گفت: «آخه مهتاب یک کله، خانم قشنگه، ماه که دو تا کله نداره، آه نگاه کن!» همه به ماه نگاه کردند، مثل صورت آدمی بود که یک عالم گریه کرده بود. فرناز می گفت: «مهتاب یک کله، ماه قشنگه!...»

مهتاب حیران بود. خورشید خانم خون سر و روی او را پاک می کرد و می گفت: «جگر ماه سوخت. صد دفعه گفتم، باز هم می گوییم ماه تو چاه نمی افتد، به مغزت می رود!»

بچه ها یواش یواش می گفتند: «مهتاب یک کله، ماه قشنگه!»

خورشید خانم جیغ زد و گفت: «گم شوید بچه های خُل و چل! مگر ماه دو تا کله دارد، گم شوید! حالا بچه هی مریضم را چکار کنم؟»

بچه ها فرار کردند. مهتاب به دنبال آنها دوید، خورشید خانم گفت: «کجا می روی با سر و صورت خونین؟»

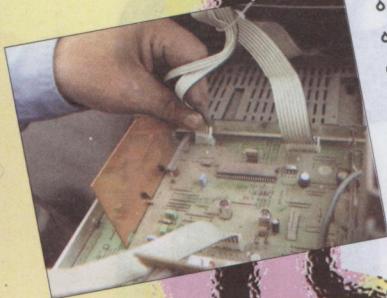
بچه ها می گفتند: «مهتاب یک کله، ماه قشنگه!» مهتاب به بچه ها رسید. به ماه نگاه می کرد و لبخندی روی لبشن بود.



مومیایی کردن روشی برای نگهداری جسد مردگان در مصر باستان بود. در این روش ابتدا، بخش های درونی و فاسد شدنی بدن مرده مانند شش ها، کبد، مغز و غیره از داخل بدن خارج می شد. سپس بدن با نوعی نمک



هفته پیش از تلویزیون، به عنوان یک دستگاه محبوب نام برده‌یم، اما نگاه بعضی از افراد به این وسیله چندان مساعد نیست: «وقتی به خانه باز می‌گردم فوراً جلو تلویزیون می‌نشیتم آن هنگام است که بچه‌ها متوجه حضور من در خانه می‌شوند»، «انسان تلویزیون را اختراع کرد چون شبها از تنبلی چشمهاش را نمی‌توانست بینند»، «تلویزیون آدامس چشم است»، «تلویزیون به وسیله افرادی شما را در منزلتان سرگرم می‌کند که در حالت عادی به خانه خود راه نمی‌دادید»، «تلویزیون تنها داروی خواب آوری است که از راه چشم باید خورد»، «تلویزیون مظهر دوران ماست و از اهمیت خامی برخوردار است اما غالباً فضای گفتگو را از بین می‌برد»، «تلویزیون، از دایره خانواده، نیم‌دایره می‌سازد»، به هر حال، خوب یا بد، تلویزیون‌ها گاهی خراب می‌شوند و نیازمند تعمیر آقای تعمیرکار. هفته پیش قسمت اول دیدار با آقای «علی صابری قمی» را خواندیم. این هفته قسمت دوم این دیدار را پی می‌گیریم.



امیر محمد لاجورد

آدامس چشم

قسمت دوم

به ولتاژ ثابتی برسد. البته این نکته درباره تمام دستگاهها بروزی صادق است.

● دیگر چه چیزهایی را باید در رابطه با استفاده از تلویزیون رعایت کنیم؟

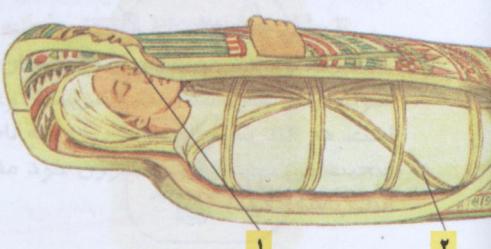
محل قرارگیری تلویزیون خیلی مهم است و باید آنرا در جایی گذاشت که نور مستقیماً به آن نتابد تا ما بتوانیم در بهترین حالت به تماشای تلویزیون بنشینیم و چشمان خسته نشود.

● تلویزیونها که خراب می‌شوند معمولاً چه ایجادی پیدا کرده‌اند؟

بیشتر از همه در مدار غذیه آنها اشکال پیدا می‌شود که آن هم به دلیل نوسانات برق است. به همین دلیل باید توجه کنیم که اگر برق رفت حتماً کلید اصلی تلویزیون را خاموش کنیم. هر وقت هم که برق آمد نباید بلافصله تلویزیون را روشن کرد و باید چند دقیقه صبر کنیم تا برق

مخصوص آغشته می‌شد و در نهایت به صورت باندیچیجی بسته می‌شد.

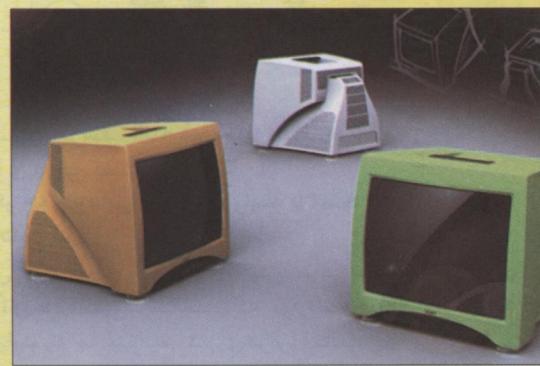
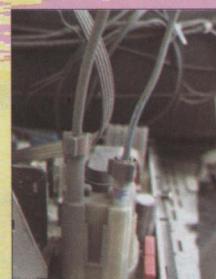
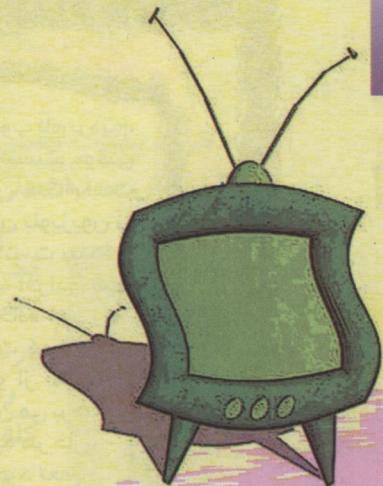
- ۱- ماسک نقاشی شده برای صورت مرده
- ۲- نوارهای گرفتی برای باندیچی مرده
- ۳- نقاشی و تزئین تابوت مومیایی بستگی به ارزش و احترام اجتماعی شخص داشت



هیچ وقت نباید مایعات را روی تلویزیون گذاشت چرا که ممکن است بریزد و داخل تلویزیون شود و باعث ایجاد اتصال و در نتیجه آتش سوزی می‌شود. همچنین بعد از چند ساعت کار بهتر است که مدتی به این دستگاه استراحت دارد و مدتی آنرا خاموش کرد. اینکار باعث می‌شود که عمر دستگاه تلویزیون بیشتر شود. غیر از مسئله عمر دستگاه، طبیعی است که خود ما نیز باید به فکر سلامتی مان باشیم و در استفاده از تلویزیون جانب اعتدال را رعایت کنیم و بیش از اندازه چشم به آن ندوزیم، چیزی که بعض ها آنرا رعایت نمی‌کنند. همینطور باید حواسمن باشد به هنگام تماشای تلویزیون فاصله خود را با آن رعایت کنیم و زیاد نزدیک به آن ننشینیم تا چشمانمان خراب و ضعیف نشوند. یک دیگر از چیزهایی که باید حواسمن به آن باشد این است که صدای تلویزیون را در اندازه لازم قرار دهیم و این هم چیزی است که گاهی رعایت نمی‌شود و باعث آزار دیگران می‌شود.

• رنگ چگونه بر صفحه تلویزیون ایجاد می‌شود؟

اگر خیلی به صفحه تلویزیون نزدیک شوید می‌توانید نقاط رنگی آنرا بینید. سه نقطه کوچک به رنگهای قرمز و آبی و سبز را می‌توانید بینید که با ترکیب این سه نور در درصدهای مختلف، رنگهای متفاوتی بر صفحه تلویزیون ساخته می‌شوند. ما برای اینکه یک تصویر مطلوب داشته باشیم و رنگها را طبیعی بینیم باید تلویزیون تنظیم باشد، غیر از تنظیماتی مانند میزان نور کنتر است و... که روی تلویزیون برای استفاده مردم تعییه شده است. در قسمت های داخلی تلویزیون امکاناتی وجود دارد که به وسیله آن می‌توانیم چیزهایی مانند درصد هر رنگ و یا افقی یا عمودی بودن تصویر و تنها کسی این تنظیمات خارج از دسترس مردم هستند و تنها کسی که متخصص است با آنها کار می‌کند. مثلاً داخل تلویزیون کلیدی داریم بنام «کلید کنترل» که چند حالت دارد. در یک حالت روی صفحه خطی پدیدار می‌شود که به ما کمک می‌کند تا رنگ تلویزیون را تنظیم کنیم. و یا در حالت دیگر این کلید، کل صفحه قرمز رنگ می‌شود و به ما کمک می‌کند تا لکه های صفحه تلویزیون را پیدا کنیم. در تلویزیون های



«هیرو گلیف» نوعی خط تصویری بود که توسط مصریان باستان ابداع شد. در این تصویر نام یکی از فراعنه‌ی مصر به خط هیرو گلیف یا خط تصویری نوشته شده است.

جدید این تنظیمات توسط کنترل از راه دوری بنام «کنترل سرویس» انجام می شود که این کنترل در اختیار ما تعمیر کاران است و بوسیله آن می توانیم تنظیمات داخلی تلویزیون را از همین بیرون انجام دهیم.

● کنترل از راه دور چگونه کار می کند؟

فرستنده هایی هستند که پیام را از طریق موجی به تلویزیون می رسانند. معمولاً کنترل با استفاده از نور مادون قرمز کار می کنند. بر روی تلویزیون گیرنده حساس به نور مادون قرمز قرار داده شده است که نور کنترل از راه دور را دریافت می کند و پس از ارسال به قسمت پردازش، تلویزیون فرمان را اجرا می کند. نور مادون قرمز دارای طول موج بلندی است و چشم ما قادر به دیدن آن نیست. البته کنترل هایی هم هستند که از چیزهای دیگر مانند ایجاد صوت با فرکانس های بخصوص استفاده می کنند.

● تا حالا شما را برق گرفته است؟

بله، یکی دو بار و با وجود تمام احتیاط هایی که می کنیم برق مرا گرفته است. البته تنها در حد یک شوک بوده است. برای ایجاد تصویر بر روی لامپ تصویر نیاز به ولتاژ بالایی حدود ۱۸ تا ۱۲ هزار ولت است و این در حالی است که ولتاژ برق شهر ما ۲۲۰ ولت است. این ولتاژ بالا در قسمتی از تلویزیون بنام «های ولتاژ» ساخته می شود. این برق حتی بعد از خاموش شدن تلویزیون هم تا مدتی در داخل تلویزیون ذخیره باقی می ماند و به همین جهت است که توصیه می کنند افرادی که تخصص ندارند به هیچ وجه نباید پشت تلویزیون را باز کنند، حتی اگر تلویزیون خاموش باشد و دوشاخه آن نیز از پریز برق جدا شده باشد.

● تلویزیون خانه خودتان چند وقت یکبار خراب می شود؟

تا حالا که خراب نشده است.

● شاید از شما می توسد!

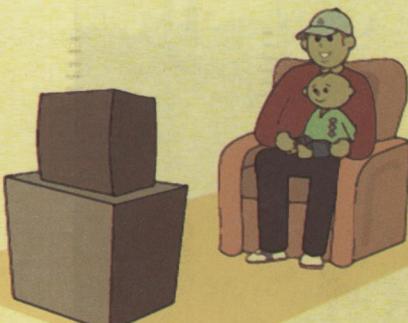
شاید، نمی دانم، نه برای چی بترسد؟

● چند ساعت در روز تلویزیون تماشا می کنید؟

تقریباً هیچی، چون اصلاً فرصت پیدا نمی کنم، من تقریباً همیشه در حال تعمیر تلویزیون های از کار افتاده مردم هستم تا دستگاهشان دوباره سالم شود و بتوانند بشینند و برنامه های تلویزیونی مورد علاقه خود را تماشا کنند.

E مثل Electricity [الكتريسته - برق]:

جرقه ای که از رعد و برق در آسمان می بینیم، نمونه ای از الکتریسته است. الکتریسته نوعی انرژی است. در الکتریسته از ذرات ریزی به نام الکترون صحبت می شود که هر الکترون خود مقدار کمی الکتریسته دارد.





دو هفته‌ی گذشته برایتان نوشتیم که چگونه پس از پایان جنگ جهانی دوم، کشورهای دارای قدرت اتمی کاری کردند تا پقیه‌ی کشورهای جهان توانند به قدرت هسته‌ای دست پیدا کنند. همچنین از پایان دوران دفاع مقدس نوشتیم که چگونه آمریکایی‌ها مانع ترمیم و راه اندازی نیروگاه اتمی بوشهر شدند. و اینک بخش پایانی ماجراهی هسته‌ای ایران...

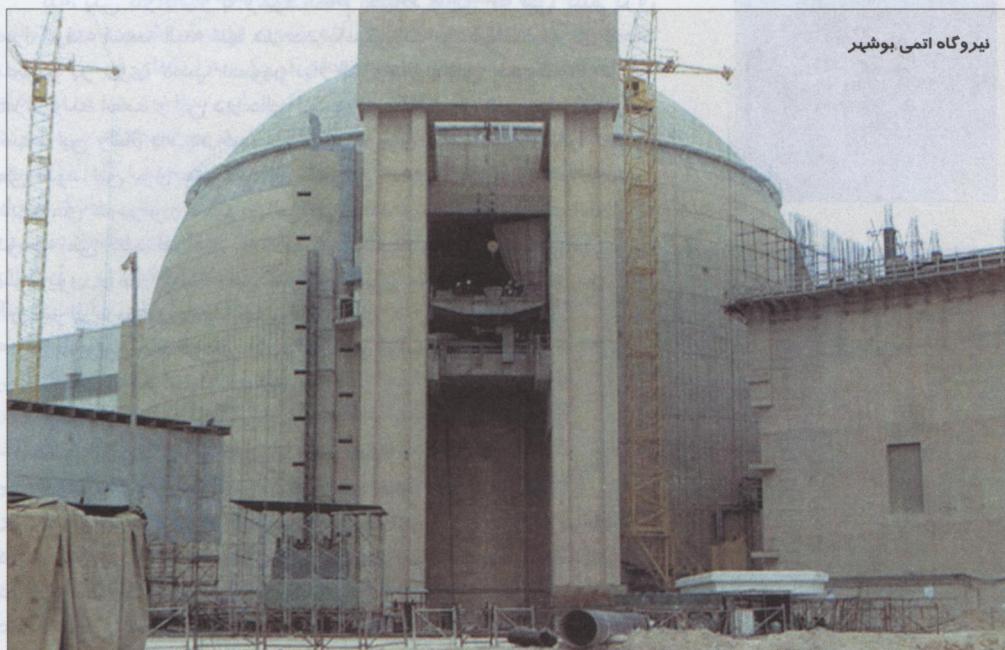
سیامک سرمدی

ماجرای انرژی هسته‌ای ایران

در حال خرید بمب اتمی از کشور قزاقستان است. افراد گروهک منافقین هم در آمریکا، اخبار و عکس‌هایی را منتشر کردند که در آنها گفته می‌شد ایران در حال ساخت دو مرکز اتمی در نطنز و اراک است. آنها به دروغ گفتند که ایران قصد دارد سلاح‌های

پس از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در حالی که کشور ما فعالیت‌های اتمی خود را زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انجام می‌داد، شبکه‌هایی در غرب شروع شد که براساس آن اخبار نادرستی منتشر می‌شد. در این خبرها به دروغ گفته می‌شد که مثلاً ایران

نیروگاه اتمی بوشهر



وقتی صحت از جریان الکتریسته می‌شود در واقع جریانی از الکترون‌ها به وجود می‌آید. الکتریسته می‌تواند در یک جا ثابت و ساکن بماند یا اینکه به حرکت درآید. هنگامی که لامپ را روشن می‌کنیم، جریان الکتریسته که از نیروگاه برق به حرکت درآمده، در لامپ خود را به شکل انرژی نورانی نشان می‌دهد.



انجام ندهد. بنابراین مشکلاتی بر سر راه مذاکرات به وجود آمد.

پس از فراز و فرودهای بسیار، سرانجام سه کشور انگلستان، فرانسه و آلمان با حمایت آمریکا تصمیم گرفتند موضوع هسته‌ای ایران را به شورای امنیت سازمان ملل واگذار کنند. در این شورا تا کنون سه قطعنامه بر علیه ایران صادر شده است. در این قطعنامه‌ها با لحنی تند از ایران خواسته شده است تا هر چه سریع‌تر دست از فعالیت‌های اتمی بردارد.

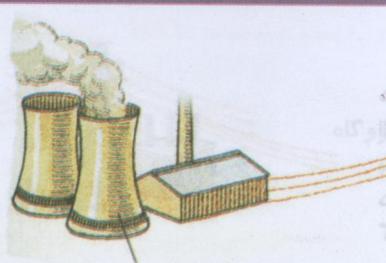
آنها تنبیهاتی را هم برای ایران مشخص کرده‌اند. مثلاً جلوگیری از صادرات بعضی کالاهای قسمتی از این تنبیهات است. اما کشور ما قطعنامه‌های تصویب شده را غیرقانونی می‌داند زیرا فعالیت‌های

اتمی ایران صلح آمیز است و همگی زیر نظر بازرسان آژانس انرژی اتمی انجام شده است. علاوه بر این کشور ما، استفاده از انرژی اتمی را حق انکارنشدنی خود می‌داند و بر انجام برنامه‌های هسته‌ای خود پافشاری می‌کند. همچنین باید بدایم که اگر برآثر فشار آمریکا و قدرت‌های اروپایی، کشور ما از برنامه‌های هسته‌ای خود عقب نشینی کند، در آن صورت و در آینده، آنها باز هم امتیازات بیشتری از ایران طلب خواهند کرد.

پایان



شیمیایی و بیولوژیکی هم بسازد. از این به بعد تگاههای بیش از پیش به سوی فعالیت‌های هسته‌ای ایران جلب شد. در حالی که فعالیت‌های معمول اتمی در مراکز اتمی ایران انجام می‌شد آمریکایی‌ها این کارها را دلیل می‌برند. آنها، وجود منابع اورانیوم در ایران، تعهد روسیه برای تامین سوخت نیروگاه اتمی بوشهر و فعالیت‌های اتمی ایران در نطنز و اراک را دلیل غیرصلاح آمیز بودن فعالیت‌های اتمی ایران می‌دانند. پس از آن مذاکرات بین ایران و غربی‌ها آغاز شد. اما به مروز زمان معلوم شد که هدف اولیه‌ی غربی‌ها از مذاکره، تلف کردن وقت بوده است تا ایران تولید سوخت هسته‌ای خود را به طور کامل



جریان الکتریسته در نیروگاه تولید می‌شود. نیروگاه می‌تواند به صورت هسته‌ای، آبی یا انواع دیگر الکتریسته را تولید کند. اینکه در این



بازی در ساحل

اگر می خواهی بدانی این پسر بچه
از شن های ساحلی چه چیزی ساخته،
قلم بردار و از شماره ی یک تا ۴۷ را
به هم وصل کن.

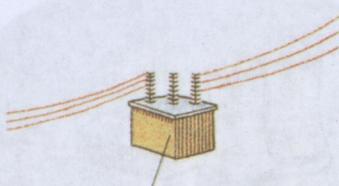


پاسخ سرگرمی شماره گذشته:



قوهای کوچولو

ترانسفورماتورهایی در صنعت برق وجود دارند که می توانند فشار الکتریکی وارد بر الکترون ها را زیاد کنند. (الکترون ها برای حرکت درآمدن به فشار الکتریکی نیاز دارند). به فشار الکتریکی، اصطلاحا «ولتاژ» گفته می شود.

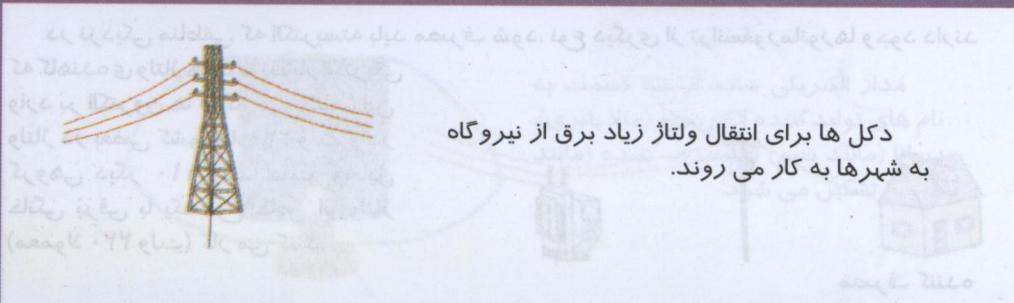


شیری ری که شیر نبود!

بر اساس قصه‌ای از شل سیپور استین
طراح: بابک قریب رنگ: برادر قریب

قسمت چهاردهم

من روی قلم هستم.
اما اینجا نمی‌شه، حموم باسلوقی
رو می‌ذاریم برای بعد.



حالا برو توی این وان
صبر کن پر آب بشه!



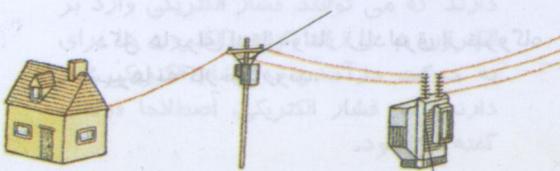
صبر کن قبل از رفتن
داخل آب باید لباس هایت ا
را در بیاوری .
وای ...



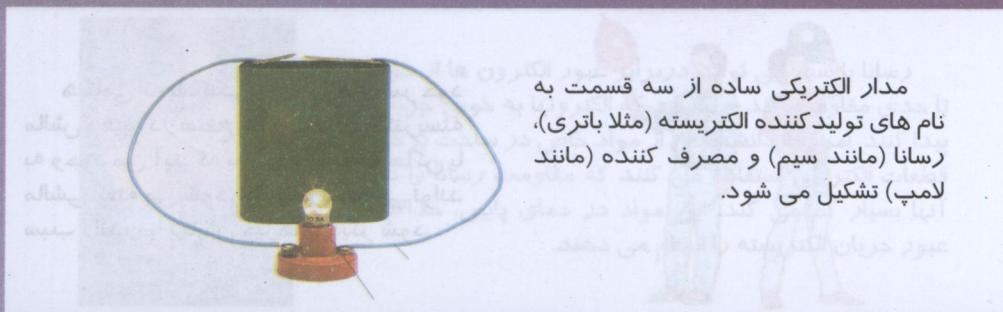
خب حالا که
من لباس ندارم نمی تونم
توى این وان برم .



در نزدیکی مناطقی که الکتریسته باید مصرف شود، نوع دیگری از ترانسفورماتورها وجود دارند که کاهنده‌ی ولتاژ هستند. (فشار الکتریکی وارد بر الکترون‌ها را کم می‌کنند) این ولتاژ در بعضی کشورها، ۲۲۰ ولت و در گروهی دیگر ۱۱۰ ولت است. وسائل خانگی برقی با یک نوع خاص از ولتاژ (معمولًا ۲۲۰ ولت) کار می‌کنند.



صرف کننده





ادامه داستان را در هفته بعد ذیال کنید.



هنگامی که بادکنکی را به موهای سر خود مالش دهیم، در سطح بادکنک نوعی الکتریسته به وجود می آید که به آن الکتریسته ساکن یا مالشی گفته می شود. این الکتریسته می تواند سبب راندن یا رباش چیزهای دیگر شود.



جدول مستطيل در مستطيل

عمودی

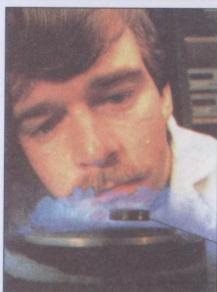
۱. ماده‌ی بد بُوی سفره‌ی هفت سین.
 ۲. علامت مفعول بی واسطه - عدد دونده!
 ۳. زود نیست.
 ۴. زهر.
 ۵. مادر عرب.
 ۶. مایه‌ی حیات.
 ۷. دروغ نیست.

۱. ماده غذایی تزیینی به بدن - شغل.
 ۲. حرف انتخاب - حرف همراهی.
 ۳. میزان حرارت.
 ۴. از ماه های زمستانی - تار و کدر.
 ۵. عقب و پشت هر چیز.

۱	ب	ع	ش	ر	ف
۲	ز	ا	ب	ی	.
۳	ن	د	ا	ز	۴
۴	د	ل	م	۵	۵
۵	و	۶	۶	۷	۶
۶	۹	۷	۸	۹	۹
۷	۸	۹	۱	۱	۱
۸	۱	۲	۲	۲	۲
۹	۲	۳	۳	۳	۳

پاسخ جدول شماره گذشته

جدول ۳۸ خانه ای



رسانا یا سیم می تواند دربرابر عبور الکترون ها از خود تا حدی مقاومت کند و نگذارد که الکترونها به خوبی جریان پیدا کنند. امروزه دانشمندان از مواد خاص در ساخت برقی قطعات الکتریکی استفاده می کنند که مقاومت رسانا را در آنها بسیار کم می کند. این مواد در دمای پایین، حداقل عبور جریان الکتریسته را انجام می دهند.



کوه صیر

▪ زهرا اکافان

دیده ام در سینه‌ی تاریک شب
زینب آزاده را در قاب و قب

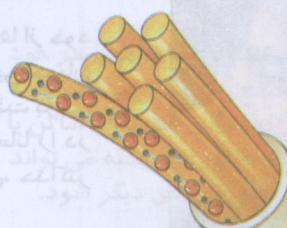


سر و آزادی که غوغای می‌کند
جغد شب را باز رسوا می‌کند



- مس یکی از فلزاتی است که جریان الکتریسته را به خوبی از خود عبور می‌دهد.

- روکش پلاستیکی در روی سیم.



زینب! از عشق تو گلها وا شدند
کوه ها از صبر تو دریا شدند



از کلامت جعد شب در خواب شد
نقشه های دشمنان بر آب شد



کعبه، اندوهِ دلش را می گریست
عشق، تنها بود و تنها می گریست



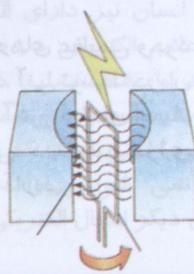
آسمانِ چشمها یات درد داشت
بادِ امواج صدایت درد داشت



بر دلت از غم هزاران کوه بود
کربلا در کربلا اندوه بود

دوست سالروز وفات حضرت زینب (س) را تسلیت عرض می نماید.

«ژنراتور» تولید کننده‌ی جریان الکتریسته است. به طور خلاصه، اگر سیم پیچ با رسانایی، بین دو قطب آهنربا حرکت کند، خطوط میدان مغناطیسی آهن ربا قطع می شوند (این خطوط با چشم دیده نمی شوند) در نتیجه، الکترون‌های داخل سیم پیچ یا رسانا، به حرکت درمی‌آیند و برق (الکتریسته) تولید می شود.





از گذشته تا کنون شماره ۱۰ در فوتبال و پیراهنی که این شماره بر روی آن باشد، اهمیت خاص داشته است. معمولاً بازیکنان خلاق و فوتbalیست های بازی ساز، این پیراهن را بر تن می کنند. در سال های دور معمولاً فورواردهای نوک حمله این پیراهن را بر تن می کردند.

پیراهن شماره ۱۰

* چهل و هفتم آندره

یکی از قدیمی ترین بازیکنان فوتبال جهان که صاحب پیراهن شماره ۱۰ بود، مه آتزای ایتالیایی است. او دو بار با این پیراهن و به همراه ایتالیا، در جام جهانی قهرمان شد.



در سال های دهه ۶۰ میلادی، فوتبال جهان مبهوت و مسحور یکی از بهترین بازیکنان تمام دوران بود. پله‌ی بزرگی هر آنچه مایل بود با توب در زمین انجام می‌داد. او صاحب پیراهن شماره ۱۰ تیم ملی فوتبال برزیل بود و با این تیم سه بار برنده‌ی جام جهانی شد.



* شماره ۱۰ های دهه ۸۰

در دهه ۸۰ میلادی مارادونا، زیکو، میشل بلاتینی، رودگولیت، لوئیس ماتیوس و انزوشیفو کسانی بودند که با پوشیدن پیراهن شماره ۱۰ در باشگاهها یا تیم‌های ملی خود، درخشیدند.



* روبرتو باجو

روبرتو باجو، بازیکن خلاق و استثنایی فوتبال ایتالیا از دیگر کسانی است که صاحب پیراهن شماره ۱۰ در تیم‌های خود بوده است. او با این پیراهن در سال ۱۹۹۳، جام یوفا و توب طلای اروپا را فتح کرد.

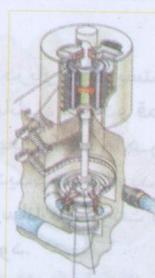


* رونالدینیو

در حال حاضر کامل ترین بازیکنی که پیراهن شماره ۱۰ را بر تن دارد، رونالدینیو است. او یکبار قهرمانی در جام جهانی و دو بار عنوان مرد سال فوتبال جهان را در کارنامه‌ی خود دارد.



در یک نیروگاه آبی، ژنراتورهای عظیمی وجود دارند که هسته‌ی آهنی وسط آنها توسط جریان قوی آب چرخانده می‌شود. آهن رباها بسیار قوی در اطراف هسته‌ی آهنی، در تولید انرژی الکتریکی نقش اصلی را برعهده دارند.



مسا بقه ۴ سوال ۳ جواب

۴- بازیکن برتر فوتبال آسیا در سال ۲۰۰۳ میلادی چه کسی شد؟
 (الف) علی کریمی
 (ب) مهدی مهدوی کیا
 (ج) علی دایی

۳- در نیم فصل اول لیگ برتر فوتبال ایران در فصل ۸۵-۸۶، تیم استقلال در چه رتبه ای قرار داشت.
 (الف) دوم
 (ب) سوم
 (ج) چهارم

۲- مریم تیم یوونتوس ایتالیا در لیگ دسته دوم ایتالیا به عینده چه کسی بود؟
 (الف) فابیو کابلو
 (ب) دیدیه دشان
 (ج) برایان کلاف

۱- در جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان کدام بازیکنان برای تیم ملی ایران گل زندد؟
 (الف) یحیی گل محمدی -
 (ب) سهراب بختیاری زاده -
 (ج) رحمان رضایی -
 (د) کل محمدی

پاسخ های صحیح خود را با ذکر شماره ی مسابقه به دفتر مجله ارسال کنید تا به قید قرعه برنده مسابقه ی ورزشی ما شوید. حتماً روی پاکت بنویسید: مسابقه ورزشی شماره... (شماره مجله). علاوه بر ارسال پاسخ، نام و نشانی خود را هم حتماً بنویسید.

باشگاههای بزرگ جهان



فالنسیا

باشگاه والنسیا اسپانیا از سال ۱۹۱۹ میلادی تأسیس شده است. این باشگاه و تیم فوتبال آن ۶ بار قهرمان لیگ اسپانیا شده اند، اما سابقه ی قهرمانی در سطح اروپا نداشته اند. ورزشگاه «مسالا» ورزشگاه اختصاصی این تیم است و در حال حاضر، بازیکنان مطرحی مانند، مورینتس، روبرتو آیالا، ویلا و ویسته در آن توب می زندند.



Roberto Ayala



ویسته



مورینتس



بدن انسان نیز دارای الکتریسته ی ضعیفی است. در عصب ها و مغز، علیم الکتریکی در طول اعصاب حرکت می کنند که باعث می شوند پیام های حسی یا حرکتی در بدن منتشر شوند. الکتریسته ی قوی به بدن آسیب می رساند و سبب مرگ می شود. در تصویر پرندگانی را می بینید که روی سیم برق نشسته اند و دچار برق گرفتگی نمی شوند زیرا آنها فقط روی سیم برق نشسته اند و دچار برق سیم های دیگر اتصال الکتریکی یا مدار تولید نمی کنند.



AFC ASIAN CUP

تاریخچه‌ی جام ملت‌های آسیا

دور دوم مسابقات جام ملت‌های آسیا که شروع شد، تیم ملی ایران هم در این مسابقات شرکت کرد. سال ۱۹۶۰ و در کره جنوبی این دیدارها انجام شد. تیم ایران در دور مقدماتی با تیم‌های هند، پاکستان و رژیم اشغالگر قدس، هم گروه شده بود. تیم ما ۳ بر صفر از سد تیم رژیم اشغالگر قدس گذشت، از پاکستانی ها ۴ گل خورد و یک گل زد و ۲ بر یک هند را شکست داد. اما در نهایت، تیم رژیم اشغالگر قدس به مرحله نهایی راه پیدا کرد. در مرحله‌ی نهایی نبرد کره‌ای‌ها و تایوانی‌ها برای کسب عنوان قهرمانی آغاز شد و در آخر، این تیم میزبان (کره جنوبی) بود که قهرمان دور دوم مسابقات جام ملت‌های آسیا شد.

سومین دوره‌ی جام ملت‌های ایران در سال ۱۹۶۴ و در سرزمین های اشغالی فلسطین برگزار شد. اختلافات اعراب با اسرائیل باعث شد تا طرفداران و حامیان مردم فلسطین در این مسابقات شرکت نکنند. به هر حال در این دیدارها، تیم رژیم اشغالگر قدس، جام ملت‌های را در سرزمین های اشغالی نگه داشت.

(ادامه دارد)

له بی‌بعد ای، جسمی رفیعه رج هنسیون^{۱۷۸} را که بی‌نیست را بی
شدید ده خواهد که نصیحت که آن‌ها را از این موضع خود کنند، بخواه
ج هنسیون^{۱۷۹} «بنیامین فرانکلین» یکی دانشمندانی بود که
درباره الکتریسته مطالعات بسیار می‌کرد. ساخت
برق گیر در ساختمان های بلند از اختراقات
اوست. پیش‌نمایانه^{۱۸۰} بی‌جهت^{۱۸۱} این‌جا^{۱۸۲} را می‌بینیم



مسابقه‌ی جدول ویژه

رمز جدول ویژه‌ی این شماره نام یکی از حکما و شاعران کشورمان است. شما باید حروف کلمه‌هایی را که در متن مربوط به این حکیم و شاعر زیر آن‌ها خط کشیده شده، در جدول پیدا کنید و روی آن‌ها خط بکشید. این حروف به ترتیب از راست به چپ یا چپ به راست، بالا به پایین یا پایین به بالا در جدول قرار گرفته‌اند. بعد از پیدا کردن همه‌ی حروف، از کنار هم قرار دادن حروف باقی مانده، به ترتیب، رمز جدول را به دست می‌آورید. اما ۲ نکته را فراموش نکنید:

۱. فقط کلمه‌هایی را در جدول پیدا کنید که زیرشان خط کشیده شده است.
۲. حروف این کلمه‌ها ممکن است در یک یا چند حرف مشترک باشند.

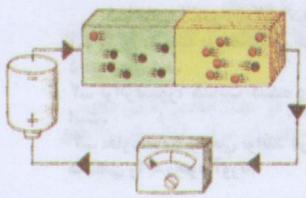
خ	ی	ت	ر	و	ب	ا	ش	ی	ن
ن	و	ر	و	ز	ن	ا	م	ه	ا
ش	ا	ی	م	ن	ی	م	ج	ن	م
ه	ن	ح	ی	ش	ا	ب	و	ر	ک
ر	س	ل	ج	و	ق	ی	ا	ن	ح
ت	ق	و	ی	م	ع	ا	ص	ر	ی

«وی از حکما، شاعران، ریاضی دانان و منجمین اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری قمری است. او معاصر با دوره‌ی «سلجوقیان» می‌باشد. وی در دوران حکومت سلطان ملکشاه سلجوقی و در زمان صدارت خواجه نظام الملک طوسی، تقویم را اصلاح نمود و آن را تقویم «جلالی» نام نهاد. شهرت وی بیشتر به خاطر ریاضیاتش می‌باشد. مضمون بیشتر ریاضیات او، شک و حیرت، توجه به مرگ و ضرورت مقتنم شمردن عمر است. سایر آثارش عبارتند از: رساله‌ی جبر و مقابله، نوروزنامه، روضه القلوب. او در سال ۵۲۰ هجری قمری دیده از جهان فرو بست و در امامزاده‌ای در نیشابور دفن گردید.»

پاسخ هایتان را به نشانی مجله بفرستید. حتی روى پاکت نامه بنويسید: «پاسخ مسابقه‌ی جدول ویژه شماره‌ی ۲۹۴». يادتان باشد نام، نام خانوادگی و نشانی پستی خود را به طور کامل و خوانا بنویسید.

مثـل Electronic (الكتـرونـيـكـ):

اگر الکتریسته منبع انرژی خوبی برای راه اندازی وسائل برقی است، اما در وسائل مختلف برقی، قطعاتی وجود دارند که کارهای مخصوصی را بر عهده دارند. مجموعه‌ی کارهای تخصصی این قطعات، علم الکترونیک را تشکیل می‌دهد. «دیود» یکی از قطعات الکترونیکی است که از دو قسمت نیمه رسانا تشکیل شده و جریان الکتریسته را فقط در یک جهت حرکت می‌دهد.





«کوتی کوتی» نام بچه هزارپایی است که «فرهاد حسن زاده» نویسنده‌ی نام آشنای کودکان و نوجوانان تصمیم گرفته است تا قصه‌های او را در کتابی به نام «قصه‌های کوتی کوتی» برای بچه‌های دوره‌ی ابتدایی بنویسد. حسن زاده قلمی طنز دارد و در این کتاب ماجراهای کوتی کوتی را در چند قصه شرح می‌دهد. اگر می‌خواهید بدانید که یک بچه هزارپای خیالی چگونه زندگی می‌کند و چه اتفاق‌هایی برای او می‌افتد، می‌توانید بخشی از کتاب را که در اینجا چاپ کرده ایم بخوانید تا هم با کوتی کوتی آشنا شوید و هم با نوع قصه نویسی فرهاد حسن زاده.



قطعات الکترونیکی در یک مدار:

- ۱- خازن که بسته به مشخصات خود، مقادیری از الکتریسته را در خود ذخیره می‌کند.
- ۲- ترانزیستور، هدایت کننده‌ی مهم عالم الکتریکی در یک مدار است.
- ۳- مقاومت متغیر، می‌تواند دربرابر جریان الکتریکی مقاومت‌های مختلفی را به وجود آورد.

قصه های کوتی کوتی

فرهاد حسن زاده

مثل اینکه دنبال لنگه جورابش
می گردد.

بهتر است تا او جورابش را پیدا می کند
من و تو قصه هایش را بخوانیم.

کفش های جورواجور
اولش کوتی کوتی کفش نداشت.
بعدش که دید بعضی از همسایه ها کفش
دارند، به خود آمد.
پایش را کرد توی یک کفش و به بابایش
گفت: «من کفش می خواهم!»

وای خدا!!

چقدر کفشه!

صاحب این کفشها کیه؟

صاحب این کفشها...

صاحب این کفشها...

این رد پا را بگیر و

بیا تا او را پیدا کنی.

اینجاست صاحب آن همه کفش؛

بچه هزارپایی که اسمش هست:

کوتی کوتی

چه کار می کند این کوتی کوتی!

۴—سیم برای اتصال قطعات مدار با همدیگر
۵—قطعه ای به نام «آی سی» که مجموعی از قطعات مهم هدایت
کننده جریان است.

۶—صفحه مدار

۷—«دیود» اجزه برقراری جریان در جهت خاصی را می دهد.

۸— مقاومت قطعه ای است که بخشی از جریان الکتریکی را مانع
می شود.

البته پدر کوتی کوتی پول زیادی نداشت و نمی توانست این همه کفش را یکجا بخرد.
مادر کوتی کوتی فکر خوبی به سرش زد.

- ماهی یک جفت کفش. شاید این طور بهتر بود. ماه اول، کفش تق تقی؛ ماه دوم، کفش کتانی؛ ماه سوم، کفش بارانی؛ ماه چهارم، ... و این طور بود که کوتی کوتی بعد از چند سال صاحب کفشهای جورواجور شد.
- آخ!

دیروز کفشهای که ماه اول به پا کرده بود، پایش را می زد.
کوتی کوتی بزرگ شده بود!

کفشهای پاره

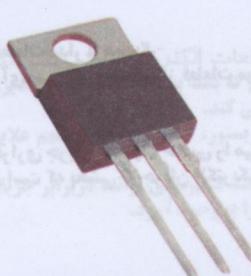
کوتی کوتی از آن هزار پاهاستی
است که خیلی ناز دارند.

یک روز او بد جوری گریه می کرد.
بد جوری هم جیغ می زد.



بد جوری هم پاهایش را به زمین می کویید.
می دانید چرا؟ یکی از کفشهایش کمی پاره
شده بود. کوتی کوتی به اندازه‌ی یک لیوان اشک
ریخت و اشک ریخت. لیوان دوم داشت پُرمی شد که... که
کرم کوچولوی را دید که... که می خزید و می خنید و به مدرسه
می رفت. کرم کوچولو، نه پا داشت، نه کفش. کوتی کوتی ساكت شد
و به فکر فرو رفت.

ترانزیستور اختراع مهمی در الکترونیک
است که توسط سه دانشمند در سال ۱۹۴۷
میلادی انجام شد. ترانزیستور می تواند به
جریان جهت دهد و آن را تقویت و لتأثر کند.





وای! نه!

وقت بازی بود.

بچه ها جمع شدند

و گفتند: «جه بازی ای

کنیم؟» بچه موشه گفت: «قایم

باشک!» بچه گرگ گفت: «اگر گم

به هوا، بچه اردک گفت: «لی لی لی حوضک».

کوتی کوتی به پاهایش نگاهی کرد و گفت: «اتل

منل تو توله».

همه یکصدا گفتند: «اتل منل تو توله؟!

وای! نه!

هیچ کس موافق نبود.

دفعه‌ی قیل که بازی کرده بودند، شمردن

پاهای کوتی کوتی نصف روز طول کشیده بود!

کتاب قصه‌های دیگری هم درباره‌ی پاهای کوتی کوتی دارد که بسیار خواندنی و جالب هستند. می‌توانید کتاب را به بیهای ۱۱۰۰ تومان تهیه کنید و در ایام تابستان با خواندن آن لذت ببرید.



مدارهای کوچک یا میکروچیپ، مدارهای بسیار کوچک میکروسکپی هستند که از صدها یا هزاران مدار کوچک تشکیل شده اند.



خول سبز مهر بان، سه قسمتی

شال

شرک ۳، همانطور که از نامش پیداست، سومین قسمت از مجموعه فیلم های شرک است. در این قسمت، حاکم سرزمین «خیلی خیلی دور» در حال مرگ است و در وصیت خود، شرک را وارث تاج و تخت اعلام می کند. اما شرک به مرداب خود دلبستگی دارد و علاقه ای به سلطنت ندارد. او برای پیدا کردن پادشاه مناسب از الاغ و گریه کمک می گیرد. شرک به این نتیجه می رسد که نوجوانی به نام «آرتور» برای این کار مناسب است. پس به کمک دوستان خود، سفری را آغاز می کند تا آرتور را پیدا کند. اما هنگامی که آنها آرتور را پیدا می کنند، متوجه می شوند که او برای حکومت کردن مناسب نیست. در همان حال، پرنس چارمنگ بد جنس، در غیاب شرک، کودتا می کند و قدرت را به دست می گیرد. او پرنسس فیونا، سفید برفی، سینه رلا و چند نفر دیگر را زندانی می کند. هنگامی که شرک به سرزمین «خیلی خیلی دور» بر می گردد می فهمد که اوضاع کاملاً عوض شده است و...

سومین قسمت شرک، چنین قصه ای دارد.
موضوع فیلم نسبت به دو قسمت
گذشته کمی خسته کننده و
تکراری شده است، اما از
آنچایی که این فیلم
بسیار پول



مثل [فیل] Elephant E

فیل، تنومندترین پستاندار ساکن خشکی است. این جاندار در دو نوع فیل آفریقایی و فیل آسیایی تقسیم بندی می شود. فیل های آفریقایی کمی بزرگتر از فیل های آسیایی هستند. فیل آفریقایی می تواند بلندی تا ۳ متر داشته باشد. وزن این جاندار بیش از ۵ تن است. فیل می تواند اهلی شود و در کارها به انسان کمک کند.

- ۱- گوش فیل بزرگ است تا حیوان با حرکت دادن آن خود را حرکت دهد.
- ۲- عاج، دندانی است که برای حرکت دادن درختان از آن استفاده می شود.
- ۳- نوک خروموم فیل دارای دو سوراخ تنفسی است.



ساز بوده است، برای بار سوم تصمیم گرفته شده است تا همچنان فیلم شرک ساخته شود. شرک ۳، از نظر هنری و قصه، چیز زیادی برای گفتن ندارد و پول ساز بودن آن باعث شده است تا بار سوم فیلم ساخته شود. فیلم از نظر فنی و اینیمیشن هیچ کم و کسری ندارد، چند صحنه‌ی آن هم بسیار خوب درست شده است مثل صحنه‌ای که شرک موقتاً پادشاه شده است یا صحنه‌ای دیگر که در آن سفید برفی را به شکل «نینجا» می‌بینیم. به نظر می‌رسد تا زمانی که بچه‌ها، غول سبز مهریان را دوست دارند، دنباله‌های شرک هم ساخته خواهد شد.

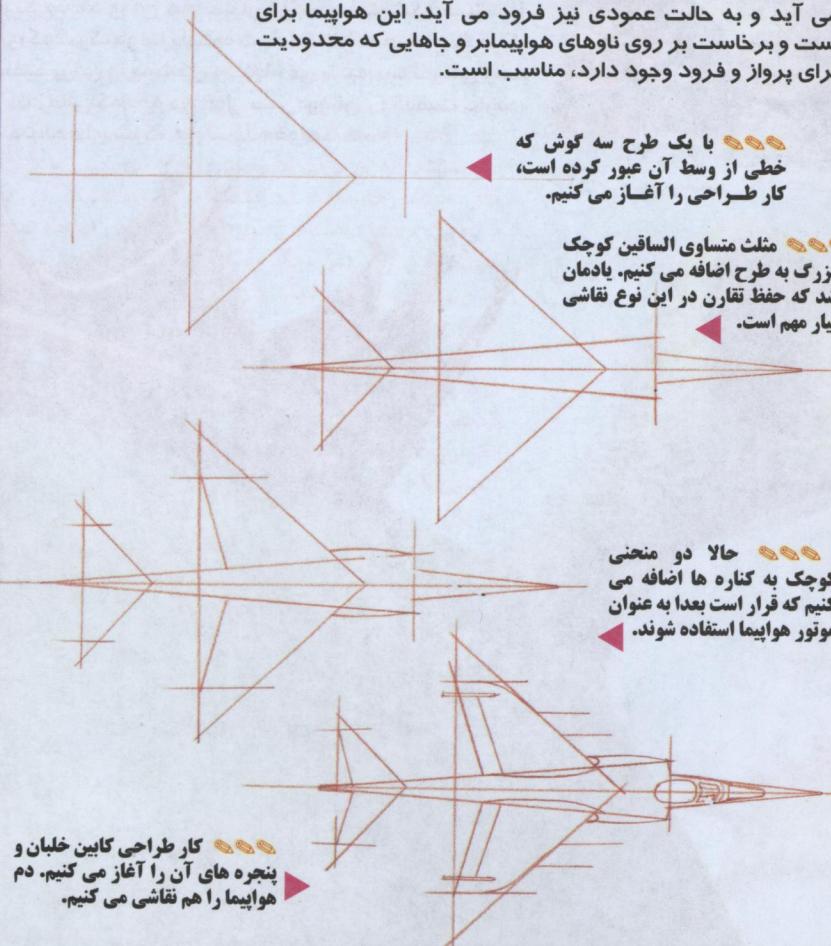


بیش از ۵۰ هزار فیل آسیایی در جنگل‌های هند، چین و جنوب شرق آسیا وجود دارند. از تعدادی از این فیل‌ها در جایه‌جایی اجسام سنگین استفاده می‌شود.

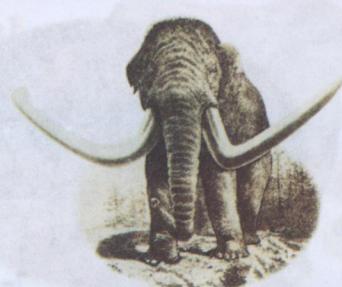
هوایپمای جنگی «هاربر»



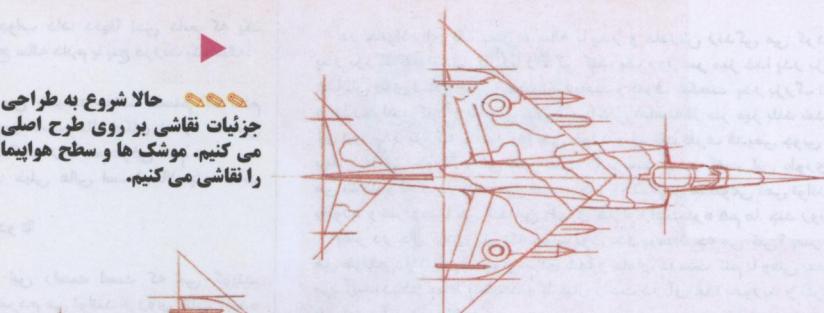
جنگنده‌ی هاریر، هوایمیان است که به طور عمودی به پرواز درمی‌آید و به حالت عمودی نیز فرود می‌آید. این هوایمیان برای نشستن و برخاست بر روی ناواهای هوایمیان و جاهایی که محدودیت حا برای پیروز و فرود وجود دارد، مناسب است.



اجداد اولیه فیل‌ها، «ماموت» نام داشت. آنها بیش از
ده هزار سال پیش زندگی می‌کنند. بقایای بدن آنها در
بخشهای سبیری و آلاسکا، بداشده است.

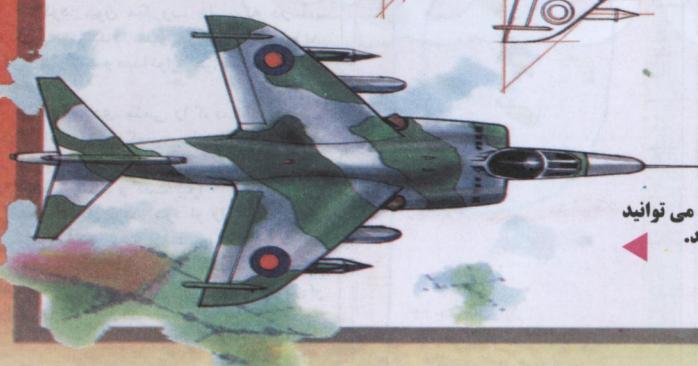


حالا شروع به طراحی
جزئیات نقاشی بر روی طرح اصلی
می کنیم. موشک ها و سطح هواپیما
را نقاشی می کنیم.



مشکی کردن خطوط اصلی
را که جزو اصلی نقاشی ما هستند را
آغاز می کنیم.

تبیزی نوک بال ها را مانند
شکل کم می کنیم و مشکی کردن
خطوط را ادامه می دهیم. خط های
اضافه را پاک می کنیم.



هواپیمای خود را می توانید
به دلخواه رنگ آمیزی کنید.

مثل Energy [انرژی]:

حرکت یک خودرو، صدایی که از یک ساز شنیده
می شود یا نوری که از لامپ می بینیم، صورت های
مختلفی از انرژی هستند. انرژی توانایی انجام دادن
چیزهایی است که می بینیم. حرکت دادن اجسام
توسط نیرو انجام می شود و نیرو نیز از انرژی به
دست می آید.



روزگار، بهترین آینه است

در خانواده ای یک پسر ۸ ساله با پدر و مادرش زندگی می کرد، قرار شد پدر بزرگ هم مدتی با آنها زندگی کند. یک روز سر میز غذا پدر بزرگ ظرف غذایش را روی زمین افکاد و غذایش ریخت و ظرف شکست، پدر بزرگ ناراحت شد و عذرخواهی کرد و پاسخی نشید و با دل شکسته از سر میز بلند شد. از فردای آن روز پدر بزرگ با آنها غذا نمی خورد و در یک ظرف قدیمی چوبی و در حیاط باید غذا می خورد. وقتی پسر علت را پرسید. پدر گفت: این طوری نه ظرف می شکند و نه جایی کلیف می شود و هم با دندانهای مصنوعی نمی تواند خوب غذا بخورد و سر و صدا می کند این طوری هم او راحت تره هم ما. چند روز گذشت. پسر در حال گندن یک تنه چوب بود، پدر پرسید چه می کنی؟ پسر جواب داد: می خواهم دو طرف چوبی برای شما و مامان درست کنم تا وقتی بدها به خانه من آمدید. در حیاط بشنینید و با خیال راحت در آن غذا بخورید و نگران شکستن یا ریختن آن هم نباشید.

اشک در پشمچان پدر حلقه زد.

از آن روز به بعد به چوبی و خوش با هم در کنار خانواده و همه یکجا می نشستند و از ظرفهای مشابه استفاده می کردند.

سیا غرتوی، ۱۱ ساله از تهران



محمد نهاد ملازاده / ۷ ساله / از گرج



از پدری پرسیدند: شما چند فرزند دارید؟

پدر جواب داد: دقیقاً نمی دانم که یک فرزند پنج ساله دارم یا پنج فرزند یک ساله!

اوّلی: من همیشه معتقد هستم که نظم بیترین چیز است. مثلاً امکان ندارد که من جای دو تا کتاب را با هم عوض کنم.

دومی: خیلی عالی است! حالا چند کتاب داری؟

اوّلی: دو تا!

حسن: این راست است که می گویند، بعضی از مردم می توانند از روی کتاب آینده را پیشگویی کنند؟

علی: به درست است.

حس: چه طور؟

علی: برای این که هر وقت مادرم یکی از کتابهای درسی مرا باز می کند و از من سوال می پرسد، می تواند بگوید که آخر سال چه بلایی به سرم می آید!

علم: یکو که آب چه جور مایعی است؟

شاگرد: آب مایعی بی رنگ است که وقتی پچه ها دست و صورتشان را در آن می شویند

به رنگ سیاه درمی آیدا!

علم: آیا می دانی چرا آب در هنگام جوشش آمدن صدا می کند؟

شاگرد: چون میکروب هایی که در آب زندگی می کنند در هنگام جوشیدن می سوزند، گریه می کنند و صدا تولید می کنند!

روزی مردی مگسی را گرفت. بعد دست خود را باز کرد و گفت: بپرا!

مگس پرید. مرد دوباره مگس را گرفت و یک بالش را کند و گفت: بپرا!

مگس کم پرید. مرد او را گرفت و بال دیگر را هم کند و گفت: بپرا!

مگس دیگر نپرید. مرد گفت: پس نتیجه

می گیریم که اگر مگسی را گرفتید و دو بال او را کنیدی، کر می شود!

فاطمه ثالثی / ۹ ساله / از شیوار

نوعی از انرژی، انرژی ذخیره شده یا پتانسیل نام دارد. آبی که پشت سد جمع شده یا فنری که فشرده شده هر کدام انرژی پتانسیل دارند. هنگامی که آب به حرکت درآمد، دارای انرژی دیگری به نام جنبشی می شود.

نشرفونج



نشانی:

تهران - خیابان انقلاب اسلامی - چهار راه حافظ - پلاک ۹۶۲
امور مشترکان مجله هفتگی «دوست»

دوست



خورشید منبع اصلی انرژی بر روی
کره زمین است.



امروز
را نویسید
خورشید
پرداختید

(۹) سال

بیهای اشتراک تا پایان نیمه اول سال ۱۳۸۶ هر ماه ۴ شماره، هر شماره ۲۷۵۰ ریال

مبلغ اشتراک را به حساب شماره ۵۲۵۲ بانک صادرات میدان انقلاب کد ۷۶ به نام موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) واریز کنید. (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک صادرات در سراسر کشور) فرم اشتراک را همراه با رسید بانکی به نشانی: تهران، چهار راه حافظ، پلاک ۹۶ امور مشترکان مجله «دوست» ارسال فرمایند.

قابل توجه مناقصیان خارج از کشور

بیهای یک شماره از مجله هفتگی «دوست»:

خاورمیانه (کشورهای همچووار) ۷ / ۰۰۰ ریال • اروپا، آفریقا، ژاپن ۸ / ۰۰۰ ریال • آمریکا، کانادا، استرالیا ۹ / ۰۰۰ ریال
بیستگان هر یک از افراد ساکن در خارج از کشور که در ایران سکونت دارند می‌توانند مبلغ فوق را به حساب اعلام شده واریز نمایند و سپس نشانی فرد خارج از کشور را به امور مشترکان مجله دوست ارسال نمایند.

مشترکین محترم استان اصفهان می‌توانند مبلغ اشتراک خود را به شماره حساب ۱۰۱۱۸۷۵۰۱۰۵۶ قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی سراسر کشور واریز فرمایند. نشانی: اصفهان - خیابان شیخ بهایی - مقابله بیمارستان مهرگان - نمایندگی چاپ و نشر عروج - تلفن: ۰۳۶۴۵۷۷

واحد اشتراک مجله دوست آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات شما است.

فرم اشتراک:

نام:

میزان تحصیلات:

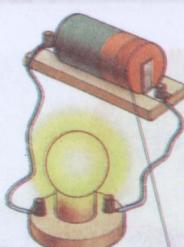
تاریخ تولد:

نشانی:

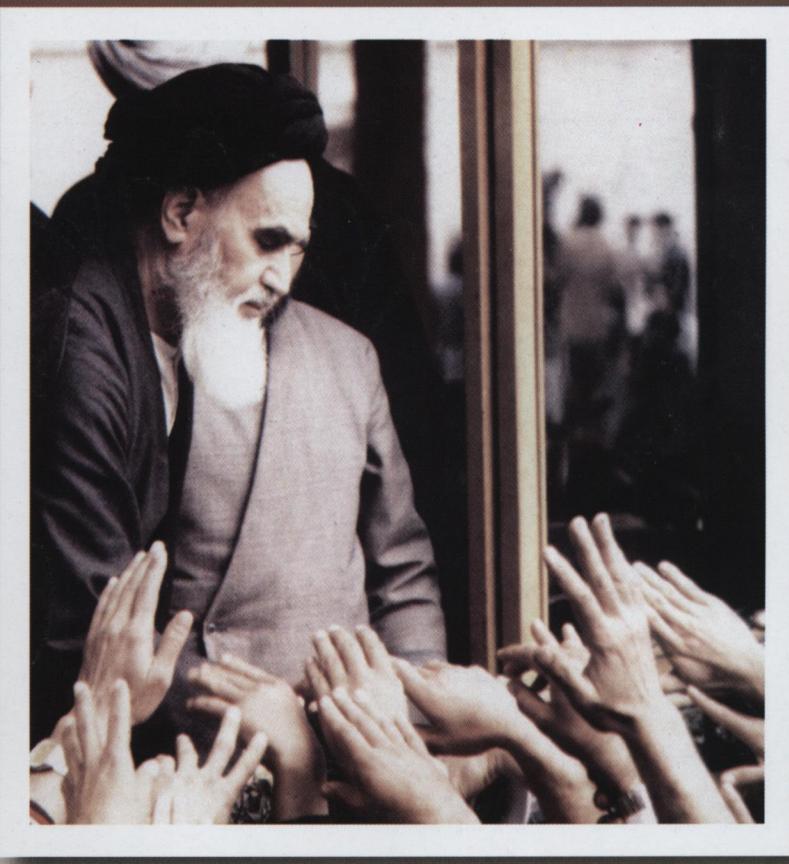
کد پستی:

شروع اشتراک از شماره:

امضاء



انرژی ها می‌توانند به هم تبدیل شوند. مثلاً انرژی داخل باتری، انرژی شیمیایی است اما در لامپ به انرژی الکتریکی و گرما (گرمای لامپ) تبدیل می‌شود.



۱۴۳



امروزه دانشمندان می‌توانند انرژی خورشیدی را توسط پانل‌های خورشیدی که از سلول‌های خورشیدی مخصوص ساخته شده‌اند ذخیره و استفاده کنند.

مسابقه‌ی کل‌ها و بازی ریاضی [مسابقه‌ی ویژه‌ی مرداد]

شرح در صفحه ۲

